



بسمه تعالی

۲۱۲۵۲ / ۲۱۵۵

وزارت اموراتصادی و دارایی

قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۴ به تایید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۹۷۵-ق مورخ ۱۳۷۶/۲/۳۰ واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد.

اکبر هاشمی رفسنجانی

رئیس جمهور

۴۸۰۵

۱۳۷۶/۲/۴

رونوشت بانضمام تصویر قانون به :

- دفتر مقام معظم رهبری - دفتر رئیس جمهور - دفتر ریاست قوه قضائیه - دفتر معاون اول رئیس جمهور - وزارت امور اقتصادی و دارائی - دیوان محاسبات - اداره قوانین مجلس شورای اسلامی - سازمان برنامه و بودجه - دفتر هیات دولت - دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام - اداره کل حقوقی - اداره کل قوانین و مقررات کشور - اداره کل امور مجلس - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران (جهت درج در روزنامه) وزارت امور خارجه ابلاغ میشود ۱۱۷۰۵.

۲۶

۸۷۷۷

۷۶۴۵

تاریخ ثبت
۱۳۷۶/۳/۳

برررسی

شود لیکن فقط قسمتی از آن که مرتبط باشد به:

الف - آن مقر دایم،

ب - فروش همان نوع یا نوع مشابه کالاها یا اجناس که از طریق آن مقر دایم در دولت متعاقد دیگر فروخته می شود،

پ - سایر فعالیتهای تجاری انجام شده در آن دولت متعاقد دیگر که از همان نوع یا مشابه فعالیتهای انجام شده از طریق آن مقر دایم باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتیکه موسسه تجاری یک دولت متعاقد از طریق مقر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافع جهت مقر دایم منظور می شود که اگر این مقر، یک موسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتهای مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می داد و بطور کاملاً مستقلی با موسسه تجاری که مقر دایم آن می باشد معامله می کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع یک مقر دایم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری (که چنانچه این مقر دایمی یک موسسه مستقل می بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه ها، خواه در دولتی که مقر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- در حالتی که در یک دولت متعاقد، روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به مقر دایم براساس تسهیم کل منافع آن موسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع بکار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. با این حال نتیجه روش تسهیمی اتخاذ شده باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- هیچ منفعی به صرف خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقر دایم برای موسسه تجاری، برای آن مقر دایم تخصیص نخواهد یافت.

۶- منافع تخصیصی به مقر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر

بریتانی

آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتیکه منافع، شامل اقلامی از درآمد باشد که برابر سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تاثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

منافع حاصله توسط موسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹- موسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف - موسسه تجاری یک دولت متعاقد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد، یا
ب - اشخاص واحدی بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری یک دولت متعاقد و موسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا وضع شده در روابط تجاری و مالی بین این دو موسسه تجاری متفاوت از شرایطی باشد که بین موسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منفعی که باید به خاطر وجود شرایط یادشده، عاید یکی از این موسسات تجاری می‌شد، ولی بعلمت آن شرایط عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن موسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد در زمره منافع موسسه تجاری خود، منفعی را منظور نماید - و متناسب با آن مشمول مالیات کند - که موسسه دولت متعاقد دیگر در آن دولت دیگر نسبت به آن منافع، مشمول مالیات شده است و منافع یادشده از سوی دولت

بررسانی

متعاقد مقدم الذکر ادعا شود که منافی هستند که چنانچه شرایط بین این دو موسسه، مانند شرایط میان دو موسسه مستقل بود عاید آن موسسه می شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شود و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد، در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است به مقیم یک دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- باین حال، این سود سهام می تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام، مقیم آن است و برابر قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه تجاوز نخواهد کرد از:
الف - ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام، در صورتی که دریافت کننده شرکتی (به غیر از مشارکتها) باشد که حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را بطور مستقیم در اختیار داشته باشد،

ب - پانزده درصد (۱۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه موارد دیگر.

۳- اصطلاح "سود سهام" به گونه ای که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام موسسین یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات مربوط به بدهیها، مشارکت در منافع، همچنین درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که برابر قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد مقیم آن می باشد، مشمول همان مقررات مالیاتی باشد که در مورد درآمد بدست آمده از سهام اعمال می شود.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام که مقیم یک دولت متعاقد است در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است از طریق مقر دایم واقع در آن، به

برتقانی

فعالیت شغلی پیردازد یا از طریق یک محل ثابت شغلی واقع در آن خدمات شخصی مستقل ارائه دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور موثر مربوط به این مقر دایم یا محل ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود و حسب مورد مقررات ماده (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد.

۵- چنانچه شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد می باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل نماید، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور موثر مربوط به یک مقر دایم واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، بطور کلی یا جزئی شامل منافع یا درآمد بدست آمده در آن دولت دیگر باشند.

ماده ۱۱- بهره

۱- بهره حاصله در یک دولت متعاهد و پرداخت شده به یک مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- باین وجود، این بهره می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، برابر قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع بهره باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص بهره تجاوز نخواهد کرد.

۳- با وجود مقررات بند (۲)، بهره حاصله در یک دولت متعاهد و کسب شده توسط دولت، وزارتخانه ها، سایر نهادهای دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که بطور کلی متعلق به دولت متعاهد دیگر می باشند، از مالیات دولت مقدم الذکر معاف خواهد بود.

۴- اصطلاح "بهره" به گونه ای که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع

برتقای

مطالبات مربوط به بدهیها، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند و به ویژه درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به اینگونه اوراق بهادار دولتی، اوراق قرضه یا سهام قرضه اطلاق می شود. خسارت تاخیر تادیه از لحاظ این ماده بهره محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع بهره، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که بهره در آنجا حاصل شده از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد و مطالبات مربوط به بدهیها که بهره از بابت آن پرداخت می شود بطور موثر مربوط به این مقر دایم باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات ماده (۷) جاری خواهد بود.

۶- بهره زمانی در یک دولت متعاقد حاصل شده تلقی می شود که پرداخت کننده آن، خود آن دولت، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد، با وجود این، در صورتی که شخص پرداخت کننده بهره، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقر دایم بوده و بدهی که بدان بهره تعلق می گیرد در ارتباط با آن بوده و این بهره بر عهده آن مقر دایم باشد، در این صورت بهره یاد شده، حاصل شده در دولتی تلقی خواهد شد که این مقر دایم در آن واقع است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع بهره یا بین هردوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ بهره ای که باتوجه به طلب مربوط به بدهی پرداخت می شود، بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و منتفع تعیین می شود، مقررات این ماده فقط در مورد مبلغ اخیر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، برابر قوانین هریک از دولتهای متعاقد و بارعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

برقائی

ماده ۱۲- حق الامتیاز

۱- حق الامتیازهای حاصله در یک دولت متعاهد و پرداختی به یک مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این وجود، این حق الامتیازها می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود نیز برابر قوانین آن دولت مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق الامتیاز" به گونه ای که در این ماده بکار می رود اطلاق می شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما به ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا مدل، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیازها که مقیم یک دولت متعاهد می باشد، در دولت متعاهد دیگری که حق الامتیاز از طریق یک مقر دایمی واقع در آن حاصل می شود، فعالیت شغلی داشته باشد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود بطور موثری با این مقر دایم مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات ماده (۷) جاری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز زمانی در یک دولت متعاهد حاصل شده تلقی می شود که پرداخت کننده خود آن دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. با وجود این در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاهد دارای یک مقر دایمی باشد که حق یا اموال موجب حق الامتیاز، بطور موثری مربوط به آن است و این حق الامتیازها برعهده این مقر دایمی باشد، در این مورد این

بررسی

حق الامتیازها حاصل شده در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقر دایمی در آن واقع می باشد.

۶- در صورتی که به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیاز پرداختی با توجه به استفاده، حق یا اطلاعاتی که در قبال آنها حق الامتیاز پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، بخش مازاد پرداختی، برابر قوانین هر دولت متعاهد و بارعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه ای

- ۱- عواید حاصله مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیر منقول یاد شده در ماده (۶) و واقع در دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی یک مقر دایمی را که موسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقولی که مقیم یک دولت متعاهد به منظور ارایه خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال یک مقر دایم (به تنهایی یا همراه با کل موسسه)، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۳- عواید حاصله توسط موسسه تجاری یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیماها، یا وسایل نقلیه جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مربوط به استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن موسسه در آن واقع است.



بریتانی

۴- عواید حاصله توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که دارایی آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم بطور عمده ازاموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل می شود، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد یادشده در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصله توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه ای یا سایر فعالیت های مشابه از نوع مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود، مگر آنکه این شخص به منظور ارایه فعالیت خود محل کار ثابتی بطور مستمر در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه وی محل ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود ولی فقط تا حدودی که مربوط به محل ثابت مزبور می باشد.

۲- اصطلاح "خدمات حرفه ای" به ویژه شامل فعالیت های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابرسان می باشد.

ماده ۱۵- خدمات شخصی غیر مستقل

۱- بارعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر پرداخت های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد بابت خدمتی دریافت می دارد، فقط مشمول مالیات همان دولت می باشد مگر آنکه خدمت در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه خدمت بدین ترتیب انجام شود، حقوق حاصل از آن می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

برزقانی

۲- با وجود مقررات بند (۱)، حقوق حاصله توسط مقیم یک دولت متعاقد بابت خدمتی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر خواهد بود، مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سربرده از (۱۸۳) روز در هر مدت دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند،

ب - حقوق توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - حقوق بر عهده‌مقردایمی یا محل ثابت شغلی که پرداخت‌کننده حق‌الزحمه در دولت متعاقد دیگر دارد، نباشد.

۳- با وجود مقررات قبلی این ماده، حقوق کسب شده بابت خدمات انجام شده در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن که در حمل و نقل بین‌المللی مورد استفاده واقع می‌شوند، مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶- حق‌الزحمه مدیران

حق‌الزحمه مدیران و دیگر وجوه مشابه دریافتی توسط مقیم یک دولت متعاقد، در سمت خود به‌عنوان عضو هیات مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

ماده ۱۷- هنرمندان و ورزشکاران

۱- با وجود مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان یک هنرمند از قبیل هنرمند تیاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا یک موسیقیدان، یا به‌عنوان یک

برتقای

ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده در دولت متعاهد دیگر کسب می کند، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی یک هنرمند یا یک ورزشکار عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، با وجود مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، این درآمد می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد.

۳- با وجود مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد کسب شده توسط یک هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارایه شده در دولت متعاهد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاهد، از مالیات آن دولت متعاهد دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸- حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مقررات بند (۱) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته، تنها مشمول مالیات آن دولت می باشد.

۲- حقوق بازنشستگی و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاهد بابت بیمه حوادث شخصی، تنها در آن دولت می تواند مشمول مالیات شود.

ماده ۱۹- خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر پرداختهای مشابه، غیر از حقوق بازنشستگی، که به وسیله یا از محل صندوقهای ایجاد شده توسط یک دولت متعاهد یا یک مقام محلی آن به یک شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی پرداخت شود، تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

با وجود این، این پرداختها در صورتی تنها مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد و:



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

برستانی

**قانون موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری
از فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان**

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی
در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری
ارمنستان، مشتمل بر یک مقدمه و (۳۰) ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن
داده می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از
فرار مالی در مورد مالیاتهای بر درآمد و سرمایه بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان باتمایل به انعقاد
موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد
مالیاتهای بر درآمد و سرمایه به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا
قلمرو هر دو طرف باشند.

برقائی

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا
- تنها به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.
- ۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) نسبت به حقوق و مقرریهای بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده در خصوص فعالیتهای شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰- مدرسان و محصلان

- ۱- وجوهی که یک محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و تنها به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می برد برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت بدست آید.
- ۲- همینطور، حقوقی که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می برد و منظور اولیه از اقامت، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق دریافت می کند، از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت بدست آید.
- این بند در مورد درآمد ناشی از تحقیقاتی که بطور عمده برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص معینی انجام می شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱- سایر درآمدها

- ۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که بطور صریح در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود، مگر آنکه این گونه اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد



برسرتقانی

دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشود.

۲- به استثنای درآمد ناشی از اموال غیر منقول به گونه ای که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، در دولت متعاقد دیگر از طریق یک مقرر دایمی واقع در آن فعالیت شغلی نماید و حق یا اموالی که در خصوص آن درآمد بدست آمده است بطور موثری باین مقرر دایمی مرتبط باشد، مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد، ارقام درآمد در آن دولت متعاقد دیگر برابر قوانین آن مشمول مالیات می باشند.

ماده ۲۲- سرمایه

۱- سرمایه، متشکل از اموال غیر منقول یاد شده در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع است، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- سرمایه، متشکل از اموال منقولی که جزیی از اموال شغلی مقرر دایمی می باشد که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد یا اموال منقولی که مربوط به محل کار ثابتی است که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۳- سرمایه، متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیماها، وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مربوط به استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعهده ای خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه، متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که داراییهای آن بطور عمده از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاقد تشکیل شده است، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد شود.

برتقای

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳- روش حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی بدست آورد یا مالک سرمایه‌ای باشد که برابر مقررات این موافقتنامه، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت مقدم‌الذکر اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بردرآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود،

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود،

با این وجود در هر یک از دو مورد، چنین تخفیفی از آن قسمت از مالیات بردرآمد یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه‌ای است که می‌تواند در دولت دیگر مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که برابر هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد کسب شده یا سرمایه مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، با وجود این دولت یاد شده می‌تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین‌تر از مالیات و الزاماتی که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا می‌توانند مشمول آن شوند، نخواهند بود. این

بررسی

مقررات با وجود مقررات ماده (۱)، شامل اشخاصی نیز که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.

۲- وضع مالیات بر یک مقر دایمی که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، نامساعدتر از مالیات موسسات تجاری دولت متعاقد دیگر که همان فعالیتها را انجام می دهند، نخواهد بود.

۳- موسسات تجاری یک دولت متعاقد که سرمایه آن بطور کلی یا جزئی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، در دولت مقدم الذکر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین تر از مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر موسسات مشابه تجاری دولت مقدم الذکر مشمول آن هستند یا می توانند مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات به گونه ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید هر نوع تخفیفات شخصی، معافیتها و بخشودگی مالیاتی را که به دلیل احوال شخصیه یا مسوولیتهای خانوادگی به مقیمان خود اعطا می نماید، به مقیمان دولت متعاقد دیگر نیز بدهد.

ماده ۲۵- شیوه توافق دوجانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد ملاحظه کند که اقدامهای یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می بایست ظرف دو سال از اولین اخطار در مورد اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.



بریتانی

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند خود به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد برای حل هرگونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف، در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار از طریق مشاوره شیوه های دوجانبه مناسب، شرایط، روشها و فنون مربوط به اجرای شیوه توافق دوجانبه مقرر در این ماده را توسعه خواهند داد.

ماده ۲۶- تبادل اطلاعات

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعاتی را که برای انجام مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاقد را در مورد مالیاتهای مشمول این موافقتنامه، تاحدی که وضع مالیات به موجب آن باین موافقتنامه مغایر نباشند، با یکدیگر مبادله خواهند کرد. این تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود به همان صورتیکه اطلاعات بدست آمده برابر قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص یا وصول، اجرا یا پیگرد یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه می باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقامها اطلاعات را تنها برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در جریان رسیدگی محاکم عمومی یا تصمیمات

برتقانی

شماره

تاریخ

پیوست

قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ موردی چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعهد را
و ادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری آن دولت یا دولت متعهد دیگر
اتخاذ نماید،

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که برابر قوانین یا رویه اداری متعارف آن دولت یا
دولت متعهد دیگر قابل تحصیل نیست،

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی،
صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست
عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷- مساعدت برای وصول

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعهد تعهد می‌کنند در مورد وصول مالیاتها
به انضمام بهره، هزینه‌ها و مجازاتهای مدنی مرتبط با این گونه مالیاتها که در این ماده به عنوان
"مطالبه بدهی مالیاتی" نامیده خواهد شد، با یکدیگر مساعدت کنند.

۲- درخواست مساعدت از طرف مقام صلاحیتدار یک دولت متعهد برای وصول
"مطالبه بدهی مالیاتی" باید متضمن گواهینامه‌ای از طرف آن مقام مبنی بر اینکه برابر قوانین آن
دولت چنین مطالبه بدهی مالیاتی قطعی شده است، باشد. از لحاظ این ماده، "مطالبه بدهی
مالیاتی" وقتی قطعی خواهد بود که یک دولت متعهد برابر قوانین داخلی خود حق وصول
این مالیات را داشته باشد و مودی مالیاتی هیچ نوع حقی را برای جلوگیری از وصول آن
نداشته باشد.

۳- "مطالبه بدهی مالیاتی" یک دولت متعهد که وصول آن را مقام صلاحیتدار دولت



برقانی

متعاقد دیگر پذیرفته است توسط دولت متعاقد دیگر، همانند "مطالبه بدهی مالیاتی" خود آن دولت که به قطعیت رسیده است، برابر قوانین مربوط به وصول مالیاتهای آن وصول خواهد شد.

۴- مبالغ وصول شده توسط مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد به موجب این ماده، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر تقدیم خواهد شد. باین وجود، جز در مواردی که مقام صلاحیتدار دولتهای متعاقد به گونه دیگری توافق نمایند، مخارج معمولی هزینه شده برای مساعدت در وصول، برعهده دولت متعاقد مقدم الذکر خواهد بود و هرگونه مخارج فوق العاده هزینه شده برعهده دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۵- هیچ گونه مساعدتی برای "مطالبه بدهی مالیاتی" یک دولت متعاقد به موجب این ماده، در مورد مودی مالیاتی تاحدی که "مطالبه بدهی مالیاتی" وی مربوط به مدتی است که در طی آن مودی یادشده مقیم دولت متعاقد دیگر بوده است، انجام نخواهد شد.

۶- با وجود مقررات ماده (۲) (مالیاتهای موضوع موافقتنامه)، مقررات این ماده در مورد تمامی مالیاتهای وصول شده توسط یا از طرف یک دولت متعاقد اعمال خواهد شد.

۷- هیچ چیز در این ماده چنین تعبیر نخواهد شد که هریک از دو دولت متعاقد را وادار سازد اقدامات اداری به کاربرد که از نظر ماهیت متفاوت از اقداماتی باشد که در وصول مالیاتهای خود معمول می دارد یا مغایر با سیاست عمومی (نظم عمومی) آن دولت باشد.

ماده ۲۸- اعضای ماموریتهای سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازهای مالی اعضای ماموریتهای سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

برقانی

ماده ۲۹- لازم الاجرا شدن

۱- این موافقتنامه در هریک از دو دولت متعاهد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن منشا اثر خواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه به بعد، سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و سرمایه، نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد، سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

ماده ۳۰- فسخ

این موافقتنامه تازمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ شود لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دو دولت متعاهد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی با یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی متعاقب بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می شود، فسخ نماید، در این صورت این موافقتنامه منشا اثر نخواهد بود:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و مالیات بر سرمایه، نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

شماره ۹۷۵۰

تاریخ ۳۰/۲/۷۵

پیوست

بسم تعالی

متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.
در تایید مراتب بالا، مقامهای صلاحیتدار دو دولت این موافقتنامه را امضا نمودند.
این موافقتنامه در دونسخه در تهران، در تاریخ شانزدهم اردیبهشت ماه سال یکهزار و
سیصد و هفتاد و چهار هجری شمسی برابر با ششم ماه می سال یکهزار و نهصد و نود و پنج
میلادی به زبانهای فارسی، ارمنی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان
برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود. /ن

از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران از طرف دولت جمهوری ارمنستان

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سی ماده در
جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش
مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۴ به تایید شورای نگهبان رسیده
است.

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

۱۳۷۶/۲/۱۴

برقائی

ماده ۲- مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از چگونگی وضع آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می شود.

۲- مالیات بردرآمد و سرمایه عبارت هستند از: کلیه مالیاتهای متعلق به کل درآمد و سرمایه با اجزای آنها، از جمله مالیات برعوائد حاصل از نقل و انتقال اموال منقول و غیر منقول، مالیات برکل مبالغ پرداختی موسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق و همچنین مالیات برافزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارت هستند از:

الف - درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بردرآمد،

- مالیات بر اموال.

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود)

ب - درمورد ارمنستان:

- مالیات بر منافع،

- مالیات بردرآمد،

- مالیات بر اموال،

- مالیات بر اراضی.

(که از این پس "مالیات ارمنستان" نامیده می شود)

۴- این موافقتنامه همچنین شامل مالیاتهایی که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضای این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود، مشروط بر آنکه برابر تعریف بند (۱) این ماده همانند یا بطور اساسی مشابه آنها باشد. مقامهای صلاحیتدار کشورهای متعاقد، در مدت معقول از هر تغییری که در قوانین مربوط مالیاتیشان حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند کرد.

برقانی

ماده ۳- تعاریف کلی

- ۱- از نظر این موافقتنامه، جز در مواردی که متن مفهوم دیگری را اقتضا نماید:
- الف - اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن، اطلاق می شود به جمهوری اسلامی ایران یا ارمنستان.
- اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" اطلاق می شود به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران.
- اصطلاح "ارمنستان" اطلاق می شود به جمهوری ارمنستان و هرگاه در مفهوم جغرافیایی بکار رود، یعنی قلمرویی که جمهوری ارمنستان طبق حقوق بین الملل در آن حق حاکمیت و صلاحیت خود را اعمال می کند و قلمرویی که قوانین مالیاتیش آن را در بر می گیرد.
- ب - اصطلاح "مالیات" اطلاق می شود به تمامی مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه.
- پ - اصطلاح "شخص" شامل یک شخص حقیقی، یک شرکت یا سایر اشخاص به هر شکل می باشد.
- ت - اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحد که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.
- ث - اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی است که برابر قوانین مربوط هر دولت متعاقد، به ثبت رسیده باشد.
- ج - اصطلاحات "موسسه تجاری یک دولت متعاقد" و "موسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به موسسه تجاری که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و موسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.
- چ - اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط یک

برق‌تانی

کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن که توسط یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می‌شود، به استثنای مواردی که این کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن تنها بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شوند.

ح - اصطلاح "مقام صلاحیتدار":

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز

وی، و

- در مورد ارمنستان، به بازرس مالیاتی دولتی ارمنستان یا نماینده مجاز وی اطلاق

می‌شود.

خ - اصطلاح "تبعه" اطلاق می‌شود به:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد،

- هر شخص حقوقی که وضعیت خود را به عنوان "تبعه" از قوانین جاری یک دولت

متعاقد اخذ می‌نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده

باشد، به جز مواردی که اقتضای متن به گونه‌ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که

برابر قوانین آن دولت متعاقد، راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴- مقیم

۱- از نظر این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" اطلاق می‌شود به

هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت، به سبب اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت دفتر یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت

متعاقد باشد، وضعیت وی به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - وی مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار

برتقانی

داشته باشد. اگر او در هر دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد یا اگر در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که بطور معمول در آنجا بسر می برد،

پ - هرگاه او بطور معمول در هر دو دولت متعاهد بسر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد،

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آنها نباشد، مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، وی مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

ماده ۵- مقر دایم

۱- از نظر این موافقتنامه، اصطلاح "مقر دایم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی که از طریق آن، موسسه تجاری یک دولت متعاهد بطور کلی یا جزیی در دولت متعاهد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقر دایم" به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره،

ب - شعبه،

پ - دفتر،

ت - کارخانه،

ث - کارگاه،

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، کان یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری یا استخراج

برررسی

منابع طبیعی.

۳- کارگاه خانه سازی، پروژه مونتاز یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دایم" محسوب می شوند، اما فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از (۱۲) ماه ادامه داشته باشد.

۴- باوجود مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروح زیر از سوی موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به عنوان فعالیت از طریق یک "مقر دایم" تلقی نخواهند شد:

الف - استفاده از تسهیلات، تنها به منظور انبارکردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه تجاری،

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به موسسه تجاری تنها به منظور انبارکردن یا نمایش،

پ - نگهداری موجودی کالا یا اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه تجاری، تنها به منظور آماده سازی آنها توسط موسسه تجاری دیگر،

ت - نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور خرید کالاها یا اجناس یا جمع آوری اطلاعات برای آن موسسه،

ث - نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور انجام تبلیغات، عرضه اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد،

ج - نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزوهای (الف) تا (ث) به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- باوجود مقررات بندهای (۱) و (۲)، در صورتی که شخصی - به غیر از یک نماینده دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (۶) می باشد - در یک دولت متعاقد از طرف یک موسسه تجاری دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن موسسه باشد و آن را بطور معمول اعمال

برتقای

نماید، آن موسسه تجاری در مورد فعالیت‌هایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقر دایم تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیت‌های این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد که به موجب مقررات بند مزبور چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- موسسه تجاری یک دولت متعاقد تنها به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق یک دلال، حق العمل کار یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می‌پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد، مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

با این وجود، هرگاه فعالیت‌های چنین نماینده‌ای بطور کامل یا تقریباً کامل به آن موسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن موسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او بعنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق یک مقر دایم، خواه بدون آن) به خودی خود کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصله توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصله از کشاورزی یا جنگلداری)، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث

بسته‌تانی

در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که نسبت به آنها مقررات و حقوق عمومی مربوط به اموال غیر منقول اعمال می‌شود، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای متغیر یا ثابت در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، کانها و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده در مورد درآمد حاصله از استفاده مستقیم، اجاره دادن یا هر شکل دیگر بهره‌برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را مستحق تمتع از اموال غیر منقول تحت تصرف آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، اجاره دادن یا هر شکل دیگر حق تمتع، می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیر منقول در آن واقع است شود.

۵- مقررات بند (۱) و (۳) این ماده به درآمد ناشی از اموال غیر منقول یک موسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای ارائه خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷- منافع تجاری

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری که توسط موسسه یک دولت متعاهد حاصل شده فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود، مگر اینکه این موسسه تجاری از طریق مقرر دایمی واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه موسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، از طریق یک مقرر دایم واقع در آن فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر